با مردم
شماره تلفن ارتباطی با خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۳۳۷

جلوی چسباندن تبلیغات روی سطح پیاده روها گرفته شود

یکی از روش‌هایی که به‌تازگی برای تبلیغات باب شده و انجام می‌شود چسباندن تراکت‌های تبلیغاتی روی سطح پیاده روهاست. این اقدام جدا از اینکه موجب کثیف شدن سطح شهر و ایجاد آلودگی می‌شود خلاف قانون و تعدی به حقوق شهروندان است. نصب تراکت و تبلیغات اصولی دارد.نباید هرکس و به هر بهانه از فضای عمومی که متعلق به همه مردم است استفاده شخصی نماید. مسئولان باید با ایجاد فضاهایی خاص در سطح شهر، مکان‌های مشخصی را به این کار اختصاص دهند تا هم شهر آلوده و نازیبا نشود و هم جمع‌آوری این تبلیغات منظم و سیستماتیک شود.

تمنایی از تهران

زیرمیزی گرفتن برای زایمان را متوقف کنند

چندسالی‌است زیرمیزی گرفتن از زنان باردار برای زایمان چه به‌صورت طبیعی و چه به‌صورت سزارین در بعضی از مراکز درمانی و کادر پزشکی دیده می‌شود و این هزینه به علاوه هزینه‌هایی که یک خانواده برای طی دوران بارداری و هزینه‌های بستری و درمان دارند بسیار سنگین است درحالی که شاید با دفترچه بیمه هزینه زایمان یک خانم رایگان باشد، باید بین ۵ تا ۱۰میلیون زیرمیزی به برخی پزشکان پرداخت کرد. وضعیت به‌گونه‌ای شد که من مجبور شدم پزشکم را عوض کنم ولی روزهای آخر متوجه شدم این پزشک هم زیرمیزی می‌خواهد. لطفا مسئولان با این موضوع شدیدا برخورد کنند و آن را در ردیف مسائل فرزندآوری دنبال کنند.

نصری از مشهد

پیامک
ارسال پیام کوتاه خوانندگان
۰۲۱۲۳۰۲۳۹۱۶

کمبود شدید داروی سیکلوسپورین ساندیمون در مازندران

داروی سیکلوسپورین ساندیمون برای کسانی که پیوند عضو انجام داده‌اند یا کسانی که مشکل خود ایمنی دارند بسیار حیاتی است و نمونه ایرانی آن به نام ایمونورال هم جواب خود را خوب پس داده اما از ۵ماه گذشته این دارو در مازندران بسیار کمیاب شده و هر بیمار باید یک نفر را استخدام کند تا تمام وقت درگیر تهیه این دارو باشد. گاهی اوقات از آمل تا تنکابن می‌روم ولی یا دارو تمام‌شده یا فقط ۱۰ عدد قرص به هر بیمار تعلق می‌گیرد که کفاف یک روز را می‌دهد. لطفا یک نفر پاسخ دهد که چه کاری باید انجام دهیم تا از کار و کاسبی نیفتیم و بیمارمان نیز روند درمان خود را طی کند؟

خوشرو از آمل

وانت‌های میوه فروش باعث ترافیک شهر سنندج هستند

وانت‌های میوه فروش بدون هیچ ضابطه و قانونی در همه جای شهر و هر جایی که دلشان بخواهد و صلاح بدانند توقف می کنند که این امر باعث شده همواره در خیابان‌های اصلی و فرعی سنندج ترافیک سنگین باشد و چه بسا تصادفاتی که به‌دلیل همین راهبندان‌ها ایجاد می‌شود.این قشر باعث برهم خوردن نظم ترافیک و رواج بی‌قانونی در شهر شده‌اند. چندی قبل وانت‌بارهای چهارراه حاجی آباد، میدان ۱۲ فروردین، بلوار ارشاد، بلوار معلم و بلوار حمدی ساماندهی شدند، اما جولان دوباره وانت‌بارها در معابر شهر، باعث بروز ترافیک سنگین و نازیبا شدن چهره این شهر شده است. مسئولان ذیربط باید برای ساماندهی وانت بارها و رسیدگی به وضع موجود اقدام لازم را انجام دهند.

نصراللهی از سنندج

راه‌های دسترسی به راه‌آهن بین شهری تسهیل شود

یکی از بهترین و مطمئن‌ترین وسایل حمل‌ونقل عمومی قطار راه‌آهن بین شهری است که در کشور ما سابقه چندین ساله و در شهر اصفهان بیش از ۵۰ سال سابقه دائمی دارد، ولی به‌علت نبود راه‌های مناسب و کافی برای ایاب و ذهاب به داخل شهر از جمله اتوبوس درون شهری شرکت واحد، استقبال چندانی از آن نمی‌شود. جا دارد مسئولان اقدامات لازم برای احداث ایستگاه‌های مجهز حمل‌ونقل مسافرین قطار از مبدا اصفهان به تهران و سایر شهرها را انجام دهند.

محمود بلیغیان از اصفهان

دیدگاه

ایمان و امید؛ تأملی در رسانه انقلاب اسلامی

ادامه از صفحه اول

ایمان‌های چهارگانه؛ سرمایه امام

آن ایمان‌های چهارگانه که عبارت است از ایمان به خدا، مردم، مسیر و موفقیت پایان کار است، امام را دارای سرمایه‌هایی کرد که توانست این معجزه رسانه‌ای را رقم بزند.

ایمان به خدا به انسان این قدرت را می‌دهد که بتواند ایمان‌های خفته در وجود انسان‌ها را شکوفا کند. در طول تاریخ غیبت، هیچ عالم و مصلحی مثل ایشان نتوانسته بود که این چنین به ایمان‌های مردم اعتماد کند و ایمان‌هایی که به اندازه یک تاریخ به حجاب رفته بودند و امتداد اجتماعی پیدا نکرده بودند را به صحنه بیاورد. او با قدرتی که از ایمان به خدا و مردم آورده بود به مسیر و پایان موفقیت‌آمیز خود هم ایمان داشت؛ چراکه قدرت مردم وقتی متکی به ایمان‌های بی‌نهایتشان شود، هیچ قدرتی یارای مقابله با آنها را ندارد و کسی که خود را متکی به این قدرت لایزال بداند، مطمئن و آرام است و از نهایت کار خود یقین دارد؛ یقین به فلاح و پیروزی. طبعا در این فضا و بستر، امید یک امید واقعی و مبتنی بر واقعیت‌های میدان است؛ واقعیتی که با حضور آحاد مردم مومن ساخته می‌شود.

مادر مقتول در آخرین ثانیه‌ها از اجرای حکم قصاص منصرف شد

بخشش؛ پایان قتل ۲میلیون تومانی

گزارش
محمد جعفری
روزنامه‌نگار

مردی که ۳سال قبل در جریان درگیری با صاحب کارش به‌خاطر ۲میلیون تومان رویش بنزین ریخته و او را به آتش کشیده بود با اعلام رضایت اولیای دم از قصاص گریخت. به گزارش همشهری، اواسط سال ۹۹ به بازپرس جنایی بندرعباس خبر رسید که مردی که دچار سوختگی شدیدی شده بود، بعد از حدود ۱۰روز تحمل درد و سوختگی روی تخت بیمارستان جانش را از دست داده است. آنطور که شواهد نشان می‌داد این مرد توسط یکی از همکارانش که با او اختلاف داشت به آتش کشیده شده بود. او در طول دورانی که در بیمارستان بستری بود به سختی ماجرا را برای نزدیکانش بازگو کرده و گفته بود که یکی از کارگرانش به نام بابک او را آتش زده است. در این شرایط بود که تحقیقات برای روشن شدن پشت‌پرده این حادثه دلخراش آغاز شد.

تحقیقات مقدماتی نشان می‌داد که مقتول مدیر یک شرکت پیمانکاری بوده که برای یکی از اداره‌ها در بندرعباس کار می‌کرد و حادثه نیز در کانکسی که در محوطه این اداره قرار دارد اتفاق افتاده است. یکی از نزدیکان مقتول که در آخرین لحظات کنار تخت او بود و از ماجرا مطلع شده بود گفت: او درحالی که به سختی می‌توانست صحبت کند گفت بابک به‌خاطر طلبی که داشته روی او بنزین ریخته و کبریت کشیده است. تحقیقات مأموران در محل وقوع حادثه نیز از وقوع یک آتش‌سوزی عمدی حکایت می‌کرد. در این شرایط بود که دستگیری بابک در دستور کار قرار گرفت و چند روز بعد بازداشت شد.

انکار جنایت آتشین

متهم وقتی تحت بازجویی قرار گرفت ماجرای اختلاف و درگیری با مقتول را تأیید اما ماجرای آتش زدن او را انکار کرد. او در این‌باره گفت: من برای شرکت پیمانکار کار می‌کردم. مدتی بود که ۲میلیون تومان از آنها طلب داشتم اما پولم را نمی‌دادند. مدیر شرکت دوستم بود و بارها برای گرفتن طلبم سراغش رفتم اما او هربار امروز و فردا می‌کرد و من دست خالی به خانه برمی‌گشتم. این در حالی بود که اجاره خانه‌ام عقب افتاده بود.

او ادامه داد: روز حادثه بار دیگر به کانکسی که دفتر مدیر شرکت پیمانکاری بود رفتم و با مهندس درباره طلبم حرف زدم. او باز هم مثل همیشه وعده و وعید داد و گفت اداره به آنها هم پولی نداده است. من به‌خاطر شغلم که کاری فنی است همیشه یک بطری کوچک بنزین همراهم بود. ناگهان آن را از جیبم خارج کردم و مقداری بنزین روی سرم ریختم و تهدید کردم که خودسوزی می‌کنم. مهندس وقتی که دید تهدیدم جدی است کبریتی که آنجا بود را از روی میز برداشت و با هم وارد کشمکش و درگیری شدیم و مقداری از بنزین‌ها روی مهندس ریخت و در همان لحظات من که در جیبم یک فندک داشتم آن را روشن کردم. می‌خواستم با این کار خودم را بسوزانم اما مهندس آتش گرفت و سوخت.

حکم قصاص

با وجود اینکه متهم ادعا می‌کرد ناخواسته مرتکب قتل شده است اما چندی بعد در دادگاه کیفری یک استان هرمزگان به اتهام قتل مدیر شرکت پیمانکاری محاکمه شد. او بار دیگر روایتی را که قبلا تعریف کرده بود بازگو کرد و گفت که عمدی در کارش نبوده و از اتفاقی که افتاده پشیمان است. با وجود پشیمانی بابک، اما اولیای دم که پدر و مادر مقتول بودند می‌گفتند که او واقعیت را نمی‌گوید و در این شرایط بود که قضات دادگاه متهم را گناهگار شناخته و او را به قصاص محکوم کردند. مدتی بعد این رأی در دیوان عالی کشور نیز مهر تأیید خورد و با انجام تشریفات قضایی همه‌چیز برای اجرای حکم آماده شد.

بخشش، پای چوبه دار

سرانجام چند روز قبل با گذشت حدود ۲سال و نیم از گشوده شدن این پرونده، قاتل در زندان بندرعباس پای چوبه دار رفت. پس از آنکه مقدمات اجرای حکم انجام شد، مسئولان واحد صلح و سازش و شورای حل اختلاف برای آخرین مرتبه تلاش کردند تا رضایت اولیای دم را جلب کنند. در جلسه کوتاهی که در زندان برگزار شد برای آخرین مرتبه پدر و مادر مقتول با قاتل رودررو شدند. آنها از قاتل خواستند تا اگر می‌خواهد نجات پیدا کند واقعیت را بگوید اما او گفت که من ناخواسته باعث آتش گرفتن مهندس شدم. فکرش را هم نمی‌کردم که به خاطر ۲میلیون تومان قاتل شوم. من نمی‌خواستم به او صدمه‌ای بزنم. با وجود این پدر و مادر مقتول حاضر به بخشش نشدند و قاتل برای اجرای حکم پای چوبه دار منتقل شد.

همه‌چیز برای اجرای حکم مهیا بود. طناب دار بر گردن قاتل حلقه بسته بود و یک اشاره برای مجازات او کافی بود؛ اما در این لحظات ناگهان مادر مقتول اعلام کرد که از خون پسرش گذشته و قاتل را می‌بخشد. به این ترتیب طناب از گردن قاتل باز شد و او که باورش نمی‌شد در آخرین لحظات بخشیده شده به گریه افتاد و به‌خاطر اینکه به او فرصت زندگی دوباره داده شده سجده شکر به جا آورد.

قاضی الهام پوردهقان فراشاه، سرپرست معاونت اجرای احکام دادگستری استان هرمزگان که نقش مؤثری در بخشیده شدن این مجرم داشت در این‌باره به همشهری گفت: مادر مقتول در جلسه صلح و سازش گفت که دلم نمی‌آید قاتل را قصاص کنم و از طرفی هم نمی‌توانم از خون پسرم بگذرم و در این شرایط پای چوبه دار رفتیم. او در آنجا برای بخشیدن قاتل شرطی تعیین کرد و گفت درصورتی که در جنبه عمومی جرم به قاتل ارفاقی نشود و حداکثر مجازات جنبه عمومی جرم به او داده شود حاضر است از قصاص صرف‌نظر کند و به این ترتیب بود که این پرونده به صلح و سازش ختم شد.

کوتاه از حادثه

قتل هولناک رئیس اورژانس همدان در باغ

رئیس اورژانس همدان که به همراه یکی از دوستانش برای سرکشی به باغش در منطقه دیزج همدان رفته بود، هدف حمله مرد همسایه قرار گرفت و بی‌رحمانه به قتل رسید.

به گزارش همشهری، شامگاه یکشنبه محمدولی کیان، رئیس اورژانس همدان به همراه یکی از دوستانش برای سرکشی و آبیاری باغش در منطقه دیزج، راهی آنجا شده بود که حوالی ساعت ۲۲:۳۰، هدف حمله مرد جوانی قرار گرفت که صاحب باغ همسایه بود. مرد جوان در تاریکی شب با چاقویی که در دست داشت به رئیس اورژانس همدان حمله کرد و بی‌رحمانه او را به قتل رساند و پا به فرار گذاشت. وقتی مأموران پلیس در محل حادثه حاضر شدند، دوست مقتول که آن شب همراه وی بود، گفت: من و مقتول در داخل باغ بودیم که او از من خواست بروم و موتورآب را خاموش کنم. من هم به سمت موتورآب به راه افتادم و لحظاتی بعد وقتی برگشتم، مرد جوانی را دیدم که چاقویی در دست داشت. او وحشت زده بود و با دیدن خون روی چاقو، فهمیدم که اتفاق هولناکی رخ داده است. قصد داشتم مانع فرار مرد جوان شوم اما او به من حمله و مرا زخمی کرد و توانست فرار کند. پس از فرار او، وحشت‌زده خودم را به دوستم رساندم اما پیکر غرق خونش را دیدم که روی زمین افتاده بود. همان لحظه با اورژانس و پلیس تماس گرفتم اما دیگر دیر شده بود و دوستم لحظاتی بعد جانش را از دست داد. با اظهارات این مرد، تحقیقات مأموران در این پرونده آغاز و در همان ابتدا مشخص شد که مقتول، رئیس اورژانس همدان است؛ مرد خوشنامی که به‌گفته همکاران و دوستانش، فردی آرام و با اخلاق بوده و هرگز آزارش به کسی نرسیده است. از سوی دیگر با اظهارات تنها شاهد ماجرا و بررسی‌های بیشتر، هویت قاتل مشخص شد. او صاحب باغ همسایه بود که پس از ارتکاب جنایت فراری شده بود. در این شرایط دستور بازداشت قاتل فراری صادر شد و کارآگاهان پلیس آگاهی تنها چند ساعت بعد از جنایت موفق شدند این مرد را در مخفیگاهش دستگیر کنند.

به‌گفته سرهنگ هادی نجفی، فرمانده انتظامی همدان، این مرد حدود ساعت ۱:۳۰ بامداد دستگیر شد و تحقیقات از او برای مشخص شدن انگیزه‌اش از این جنایت هولناک ادامه دارد.

جوان بسیجی برای نجات زنی تا یک قدمی مرگ رفت

تکرار حادثه سبزوار در شهریار

کارگر جوان وقتی دید ۲موتورسوار برای زن جوانی مزاحمت ایجاد کرده‌اند، برای دفاع از او جلو رفت اما هدف ضربات چاقوی ۲ جوان شرور قرار گرفت.

به گزارش همشهری، این حادثه ساعت ۷صبح روز پنجشنبه ۱۱خردادماه امسال در سه‌راهی الورد به سمت روستای دهشاد در شهریار اتفاق افتاد. ماجرا از این قرار بود که کارگر جوان بسیجی پس از پایان کارش در یکی از کارخانه‌های شهریار در حال بازگشت به خانه بود که در راه ۲ موتورسوار را دید که قصد مزاحمت برای زن جوانی را دارند. او برای دفاع از زن جوان جلو رفت اما ۲موتورسوار ناگهان چاقو کشیدند و چندین ضربه به او زدند. این ضربات چنان غافلگیرانه بود که کارگر جوان نتوانست از خودش دفاع کند و به‌شدت مجروح و دقایقی بعد به بیمارستان منتقل شد. سرهنگ فیاض‌اللهیاری، فرمانده ناحیه مقاومت بسیج شهرستان شهریار درباره این حادثه گفت: پس از این حادثه جوان بسیجی به بیمارستان امام‌سجاد(ع) منتقل شد و تحت عمل جراحی قرار گرفت و پزشکان اعلام کردند ریه‌های او آسیب دیده اما وضعیتش رو به بهبود است. سردار اللهیاری درباره وضعیت زن جوان نیز گفت: او ساعت ۷صبح در حال رفتن به محل کارش بود و در آن ساعت صبح با توجه به خلوت بودن خیابان ۲موتورسوار به‌سویش حمله کردند و قصد سرقت یا آزار و اذیت داشتند که با شجاعت کارگر غیور در اجرای نقشه‌شان ناکام ماندند. براساس این گزارش، این حادثه یادآور شهادت حمیدرضا الداغی جوان سبزواری است که چندی قبل برای نجات دختری جوان از دست اوباش با دست خالی با آنها درگیر شد و با ضربات چاقو به شهادت رسید.

سرنوشت نامعلوم پاراگلایدرسوار در ارتفاعات دماوند

۳روز پس از ناپدید شدن پاراگلایدرسواری در ارتفاعات دماوند تیم‌های جست‌وجوگر هلال‌احمر همچنان در منطقه‌ای به وسعت ۳۰کیلومترمربع به‌دنبال یافتن او هستند. به گزارش همشهری، این خلبان ۴۰ساله که بیش از ۱۰سال سابقه پرواز با پاراگلایدر را دارد، ظهر شنبه ۱۳خردادماه از منطقه‌ای در نزدیکی امامزاده هاشم پرواز کرد و قرار بود در دماوند فرودآید اما دقایقی پس از پرواز به‌طور ناگهانی ناپدید شد. مرتضی مرادی پور، معاون عملیات سازمان امداد و نجات هلال احمر که در منطقه حضور دارد به همشهری گفت: روز حادثه علاوه بر این خلبان ۲ خلبان دیگر نیز در این منطقه پرواز کردند که با وجود شرایط نامساعد جوی به سلامت بازگشتند اما این خلبان پس از پرواز مفقود شد. او ادامه داد: متأسفانه این افراد هشدارهای هواشناسی را جدی نگرفتند و در موقعیتی خطرناک اقدام به پرواز کردند. او درباره عملیات جست‌وجو برای یافتن خلبان مفقود شده گفت: نیروهای ما کار دشواری را پیش رو دارند، چرا که باید محدوده‌ای در حدود ۳۰کیلومترمربع را جست‌وجو کنند. این خلبان پیش از پرواز شارژ موبایلش به پایان رسیده بود و از طرفی جی پی اس او هم به‌دلیل کمبود باتری همان ابتدا خاموش شده و به همین دلیل هیچ سرنخ و ردی از او وجود ندارد و ما باید همه این مناطق را که شامل کوه و جنگل است جست‌وجو کنیم.

دختر جوان، النگویش را فروخت تا یک زندانی را آزاد کند

خواهر قاتل، فرشته نجات شد

دادسرا

دختر جوان که برای نجات برادرش از قصاص تلاش می‌کرد وقتی در دادسرا با زنی آشنا شد که پسرش به‌خاطر ۱۹میلیون تومان دیه مدت‌ها در زندان بود، النگویش را فروخت تا مقدمات آزادی جوان زندانی را فراهم کند.

به گزارش همشهری، چند روز پیش در دادسرای جنایی تهران اتفاق شیرینی رخ داد. پسر جوانی از ۲سال پیش در جریان یک درگیری دستگیر شده و به زندان افتاده بود اما به‌رغم پایان محکومیتش، به‌دلیل عدم‌توانایی پرداخت دیه ۱۹میلیون تومانی همچنان در زندان بود. در این میان مادرش مدام به دادسرای جنایی رفت‌وآمد داشت و پیگیر پرونده پسرش بود تا اینکه در دادسرا با دختری جوان آشنا شد. دختر جوان نیز برای پیگیری پرونده برادرش که به اتهام قتل به قصاص محکوم شده بود به دادسرا رفت‌وآمد می‌کرد و همین آشنایی باعث شد تا دختر جوان فرشته نجات پسری شود که به‌خاطر دیه ۱۹میلیون تومانی در زندان بود. این دختر در گفت‌وگو با همشهری از جزئیات پرونده برادرش و اقدام خداپسندانه‌اش برای آزادی جوان زندانی می‌گوید.

پرونده برادرت از چه سالی به جریان افتاد؟

تیرماه سال ۹۹.

چه شد که مرتکب قتل شد؟

اشتباه بزرگ او، هم خانواده مقتول را عزادار کرد و هم آرامش را از زندگی ما گرفت. مادرم در این ۳سال به اندازه ۳۰سال پیر شده است. او حدود ۶۰۰میلیون تومان به مقتول که از آشنایان بود و با هم کار می‌کردند بدهکار شد و همین مسئله موجب شد تا جان مقتول را بگیرد. او اشتباه بزرگی مرتکب شده و ما می‌دانیم که خانواده مقتول چه عذابی می‌کشند اما مادرم هنوز امیدوار است که آنها بزرگی کنند و به‌خاطر رضای خدا و دل مادرم، برادرم را که زیر تیغ است ببخشند. برادرم حتی یک‌بار پای چوبه داررفت و نمی‌دانید بر ما چه گذشت. اولیای دم آن روز بزرگی کردند و به برادرم مهلت دادند. انگار دنیا را به ما داده بودند و این اتفاق روزنه امیدی برای ما شد. حالا همه ما شب و روز به درگاه خدا التماس می‌کنیم تا اولیای دم بزرگی کنند و به برادرم زندگی ببخشند.

از روزی بگو که تصمیم گرفتی یک زندانی را آزاد کنی؟

من معمولا برای پیگیری پرونده برادرم، مرتب به دادسرای جنایی تهران می‌روم. از طرفی تلاش تیم صلح و سازش هم ادامه دارد تا شاید روزی خبر بخشش برادرم را بشنویم. چند روز قبل که به شعبه سوم اجرای احکام رفته بودم، گریه‌های زن میانسالی توجهم را به‌خودش جلب کرد. مادر بیچاره، ۳تا از پسرهایش زندانی شده بودند. آن روز پای صحبت‌های مادر نشستم و او سفره دلش را برایم باز کرد. یاد مادر خودم افتادم چون او هم وضعیت مشابه مادر مرا داشت با این تفاوت که او ۳تا پسرهایش زندانی بودند. یکی از آنها زیر تیغ بود و دیگری به تازگی از زندان آزاد شده بود. می‌گفت از چندین نفر پول قرض گرفته وتوانسته یکی از پسرهایش را آزاد کند اما پسر دیگرش درحالی دوران محکومیتش تمام‌شده بود که به‌خاطر پول دیه همچنان در زندان بود. مادر دل‌شکسته می‌گفت هنوز ۱۹میلیون تومان پول کم دارد تا پسرش به خانه برگردد. همان لحظه چشمم به النگویم افتاد که می‌دانستم حدود ۱۹میلیون تومان ارزش دارد. با خودم گفتم النگو به چه کار من می‌آید درحالی که با فروش آن می‌توانم دل یک مادر را شاد و جوانی را از زندان آزاد کنم.

جوان زندانی، آزاد شد؟

النگو را به مادرش دادم و روز بعد دوباره به دادسرا رفتم و متوجه شدم که طلا را فروخته و مقدمات آزادی جوان زندانی همان روز فراهم شد. آن روز برق خوشحالی را در چشمان مادر دل شکسته دیدم و همانجا با خدا معامله و التماسش کردم تا دل مادر من هم شاد شود.امیدم این است که خدا در مورد زندانی ما هم معجزه کند تا برادرم از مجازات مرگ رهایی یابد و از زندان آزاد شود؛ تا زمانی که مادرم زنده است.

عملیات ویژه برای یافتن کودک بازیگوش

رویداد

تلاش‌ها برای یافتن پسر ۸ساله‌ای که در کوهستان گم شده بود به یافتن او در فاصله ۱۲کیلومتری از خانه‌اش منجر شد و نشان داد او همه این مسافت را به‌تنهایی و با پای پیاده طی کرده است.

به گزارش همشهری، این پسر ۸ساله که اهل روستای بنوی‌رفسنجان واقع در استان کرمان است پیش از ظهر روز شنبه ۱۳خردادماه امسال از خانه خارج شد و به مادرش گفت که به کوه می‌رود. او همیشه برای بازی از خانه بیرون می‌رفت اما هیچ‌کس فکرش را هم نمی‌کرد که این بار او دچار حادثه شود. ساعتی از رفتن پسربچه گذشته بود و چون به خانه بازنگشت مادرش دلواپس شد و از همسایه‌ها کمک خواست. هیچ‌کس او را ندیده بود و معلوم نبود که کجاست. ازاین‌رو ماجرا از طریق شماره ۱۱۲ به هلال احمر گزارش و درخواست کمک شد. شواهد نشان می‌داد پسربچه راهی کوه‌های بنو شده‌است. به‌این ترتیب علاوه بر ۳تیم هلال‌احمر شامل ۲تیم کوهستان و یک تیم آنست، نیروهای مردمی نیز جست‌وجو را آغاز کردند. رضا فلاح، مدیرعامل جمعیت هلال‌احمر کرمان در این‌باره به همشهری گفت: این حادثه ساعت ۱۱:۲۲ به هلال‌احمر گزارش شد. همکارانم ساعت ۱۲در محل حضور پیدا کردند و عملیات آغاز شد. هیچ سرنخ یا ردی از پسربچه وجود نداشت اما ما متوجه شدیم که او بیش‌فعال و بازیگوش است. به همین دلیل فرضیه‌های مختلفی را مورد بررسی قرار دادیم.

او در ادامه گفت: همکارانم با کمک نیروهای مردمی محدوده وسیعی را براساس طرح عملیاتی منطقه که از قبل تعیین شد جست‌وجو کردند. این عملیات حدود ۹ساعت طول کشید تا اینکه یکی از گروه‌های جست‌وجو پسربچه را در فاصله ۱۲کیلومتری از خانه، در شرایطی که همچنان در حال راه رفتن و دور شدن از مقصد بود پیدا کردند.

فلاح درباره وضعیت پسر ۸ساله گفت: او در سلامت کامل بود و هیچ مشکلی نداشت. با توجه به اینکه منطقه کوهستانی و خنک بود او دچار گرسنگی و تشنگی نیز نشده و سرحال بود. امدادگران پس از ۹ساعت او را به خانه برگرداندند و به مادرش تحویل دادند.

راز مرگ مرد جوان در پشت‌بام فاش شد

برق قاتل مرد جوان شد

اسرار مرگ مردی که جسدش روی پشت بام کشف شده و ابتدا به‌نظر می‌رسید به قتل رسیده است، فاش و مشخص شد که او به‌دلیل برق گرفتگی جانش را از دست داده است.

به گزارش همشهری، ساعت ۷ صبح شنبه سیزدهم خرداد به قاضی وحید ناصری بازپرس ویژه قتل دادسرای جنایی تهران خبر رسید که جسد مردی بر پشت بام یک انبار در منطقه بازار کشف شده است. با حضور تیم جنایی، مشخص شد که این مرد برای برداشتن وسایل به پشت بام انباری رفته بود اما بعد از ساعتی خبری از او نشده و وقتی آنها برای سرکشی به پشت بام رفتند با جسد او مواجه شدند. هرچند به‌نظر می‌رسید او به قتل رسیده باشد اما با انجام بررسی‌های بیشتر مشخص شد که مرگ او حادثه بوده و مرد جوان به‌دلیل برق گرفتگی جانش را از دست داده است. بررسی‌ها نشان داد که مرد جوان بر اثر اتصال انشعاب غیرمجاز برق که فرد دیگری سیم آن را کشیده، دچار برق گرفتگی شده و جانش را از دست داده است.

تسلیت

جناب آقای سیدی

با نهایت تاسف و تاثر مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال آمرزش آن مرحومه و صبر و سلامتی بازماندگان محترم را مسئلت می‌نماییم.

موسسه همشهری